پنجشنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۳
شماره ۴۲۰۹
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

گفت‌وگو با هادی عامل که حالا مدل گزارشگری‌اش در حال تکثیر است

می‌خواهم عموم مردم لذت ببرند

■ در کشتی یزدانی بغض گلویم را گرفت

■ در روز مسابقه ماراتن من هم در المپیک دویدم

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

معتقد است با عشق برای مردم گزارش می‌کند. این روزها که مسابقات المپیک به پایان رسیده است، آنچه از دلش برمی‌آید را بر زبان می‌آورد. «خداقوت پهلوان، خسته نباشی دلاور»، «نان پدر و شیر مادر حلالت» و «خدانگه‌دار سالار». امسال هم با به کاربردن جمله «برج ایفل را به آتش کشیدیم» در المپیک پاریس ظاهر شد. گزارش‌هایش نشان از تسلط فنی او به کشتی دارد که طی این سال‌ها توانسته آن را به ذهن بیاورد و در گزارش‌ها مخاطب را با خودش همراه کند. لحن صادقانه او در زمانی که کشتی‌گیرمان شکست می‌خورد باعث دلداری مردم می‌شود و سعی می‌کند با کلماتی آرامش‌بخش همین حس و حال را به مخاطب منتقل کند. باوجود خستگی زیادی که داشت، مصاحبه را قبول کرد و توانستیم چند دقیقه‌ای روایت هادی عامل، گزارشگر کشتی را از المپیک پاریس بشنویم.

■■■

می‌توانیم بگوییم که در این سال‌های اخیر دیگر گزارش مسابقات ورزشی صرفا از حالت یک مسابقه خارج شده است؛ می‌بینیم که شما و گزارشگران دیگر، این مسابقات را جوری گزارش می‌کنید که آن را از حالت تکراری خارج می‌کنید. چقدر قبل از شروع گزارش به موضوع گزارش و اینکه چه چیزی را می‌خواهید بگویید فکر می‌کنید؟ چقدر بین گزارش مسابقات تفاوت می‌گذارید؟

یک سری چیزها در ذات انسان هاست. مثلا هر روز آدم‌ها به همدیگر سلام می‌کنند و صبح بخیر می‌گویند. این مسائل تا آخر عمر هر کسی وجود دارند و نمی‌توانیم بگوییم که تکراری هستند. وقتی یک قهرمان ایرانی پیروز می‌شود، ما باید به مردم ایران تبریک بگوییم؛ این مسائل هم نمی‌شود گفت که تکراری است. اما در بحث‌های فنی، هر کشتی‌گیر با دیگری تفاوت دارد. برای مثال، تکنیک‌های حسن یزدانی با رحمان عموزاد متفاوت است. این تکنیک‌ها در هر کشتی‌گیری با دیگری متفاوت می‌شود؛ مثلا یک کشتی‌گیر سرعتش زیاد است، کشتی‌گیر دیگر نفسش کم است. با توجه به این تفاوت‌ها، من مجبور می‌شوم به فراخور هر کشتی‌گیری، متفاوت صحبت کنم. بحث دیگر، بحث مخاطب‌شناسی است. در کشتی، یک سری مخاطب هستند که مربی کشتی یا داور کشتی هستند، یا خودشان کشتی‌گیر بوده‌اند یا هستند؛ یک سری مخاطب هم هستند که عموم مردم هستند. من سعی می‌کنم طوری گزارش کنم که آنها هم از این رقابت لذت ببرند. بارها گفته‌ام هر زمانی که قرار باشد برای مردم گزارش کنم، آنجا برای من لحظه قشنگی است و مهم است که دارم برای مردم گزارش می‌کنم.

من خودم مربی کشتی بودم، کشتی‌گیر بودم، داور کشتی هم بودم و الان هم در حوزه کشتی مطالعه می‌کنم. اما سعی می‌کنم قوانین کشتی و بحث‌های تکنیکی را طوری مطرح کنم که همه فهم باشد. یک بحث آمادگی بدنی است، که این مسائل را هم لابه‌لای گزارش‌ها می‌گویم. تمام این چیزهایی که به شما گفتم، نیاز به مطالعه دارد. این‌طور نیست که هر کسی بتواند بگوید، یا به موقع و سریع بگوید، یا قشنگ این مسائل را برای مخاطب باز کند. همچنین گزارشگر باید از جنس آن ورزش باشد و سالیان سال آن را پیگیری کند. من برای این مسابقات المپیک پاریس، دو ماه مطالعه می‌کردم و کشتی‌های کشتی‌گیران را دوباره نگاه می‌کردم.

شما تجربه حضور در چندین دوره مسابقات جهانی و المپیک را داشته‌اید. به نظرتان این المپیک چه تفاوتی با دوره‌های پیشین داشت؟

اگر از لحاظ «اصول» بخواهیم بگوییم، هیچ تفاوتی نداشت. این هشتمین المپیکی بود که گزارش می‌کردم. المپیک‌ها تفاوت‌های جزئی با همدیگر دارند، ولی بیشترین تفاوتی که می‌توانیم درباره المپیک پاریس بگوییم، این است که افتتاحیه‌شان را داخل استادیوم برگزار نکردند. جز این تفاوت دیگری ندیدم.

مسابقات کشتی در المپیک ۲۰۲۴ را چطور دیدید؟ با توجه به مسابقاتی که در این چند سال گزارش کردید، حضور ایران در المپیک چه تفاوتی با مسابقات دیگر داشت؟

تفاوت خاصی وجود نداشت، فقط اگر بخواهیم از لحاظ فنی بررسی کنیم، تفاوت این بود که تیم روسیه در المپیک حضور نداشت. تفاوت دیگر این بود که مثلا ژاپن در این المپیک خیلی موفق بود. تیم ما هم خوب عمل کرد. هشت مدال در رشته کشتی آزاد و فرنگی داشتیم. از لحاظ تعداد، هیچ سالی نبود که هشت مدال بگیریم.

امسال در پخش مسابقات دیدیم که مجری‌ها و گزارشگرهای جدیدی به تلویزیون اضافه شدند، که در نوع خودشان جدید و متفاوت این مسابقات را گزارش می‌کردند. این گزارشگرها را چطور ارزیابی کردید؟

خب ببینید، ما که گزارش کشتی می‌دادیم در سالن کشتی بودیم، من گزارش‌های دیگر را نشنیدم و نمی‌توانم درباره‌شان نظر بدهم. اما در گزارشگری المپیک، باید آن سلسله مراتب رعایت شود. حداقل از دو یا سه سال مسابقات آسیایی یا جهانی را گزارش کنند، بعد بیایند المپیک را گزارش کنند. دلیل اول این است که قدر گزارشگری المپیک را بدانند. دلیل دوم این است که اگر قبلش مسابقات جهانی و آسیایی را گزارش کرده باشند، می‌توانند بهتر کار کنند.

در روزهای آخر مسابقات المپیک شاهد بودیم که صوتی از شما درباره کشتی امیرحسین زارع منتشر شد. لطفا توضیح دهید که آن صوت چه ماجرایی داشت؟

ببینید، ما همیشه سعی می‌کنیم کشتی و کشتی‌گیر را بزرگ و خوب برای مردم معرفی کنیم. اگر عیب فنی‌ای در کشتی‌گیر باشد، آن را در گزارش بیان نمی‌کنم و بعدا به مربی یا خود کشتی‌گیر منتقل می‌کنم. برای اینکه ما می‌خواهیم ارزش کشتی را بالا ببریم و بار منفی آن را کاهش دهیم. متاسفانه، نبود اخلاق حرفه‌ای در برخی موارد بسیار مشکل‌ساز است و من از این بابت از بسیاری از همکاران گله‌مندم. روزی که زارع باخت، بعد از پایان گزارش من و گذشت دو سه دقیقه، صدابرداری که وظیفه ضبط این رقابت را داشت، باید صدا را قطع می‌کرد، اما متاسفانه این کار را نکرد و این سهل‌انگاری باعث شد تا صدای من پخش شود. واقعا از این کار عذاب کشیدم. آدم وقتی خصوصی صحبت می‌کند فرق دارد با اینکه گزارشی را برای مردم انجام بدهد. این مساله واقعا باعث ناراحتی من شد. زارع را خیلی دوست دارم. وقتی سه بار انداز خورد داشتم توضیح فنی به دوستم می‌دادم. سال گذشته این کشتی را ۱۰ بر ۰ برده است. من تمام تلاشم را می‌کنم تا هم مردم و هم کشتی‌گیر از گزارش من راضی باشند. دلم می‌خواهد و باید آن صدابردار تنبیه اداری شود. من از زارع عذرخواهی کردم؛ چون دوست ندارم یک قهرمان با اخلاق از من ناراحت شود. نکته دیگر اینکه مردم در فضای مجازی به من لطف داشتند و متوجه شدند که نقد من به کشتی بود و این موضوع را فنی دیده بودم. من عاشقانه برای مردم ایران گزارش می‌کنم و خوشحالم که مردم متوجه این علاقه من به گزارش و کشتی هستند.

کدام کشتی امسال در المپیک برای شما خاطره‌انگیز بود؟

طبیعتا آن دو فینالی که ایران در آنها مدال طلا گرفت، برای من بسیار خاطره‌انگیز بود. به‌ویژه اینکه محمدهادی ساروی پیش از این سه‌بار به آرتور آلکسانیان باخته بود. مسابقات المپیک بسیار حساس بود، و وقتی که محمدهادی ساروی موفق شد آلکسانیان را شکست دهد، بسیار خوشحال شدم. همچنین، وقتی سعید اسماعیلی حریف خود را در فینال شکست داد، آن هم برای من بسیار خوشحال‌کننده بود. این دو مسابقه که به مدال طلا ختم شد، واقعا مرا خوشحال کرد.

قبل از گفت‌وگویمان گفتید یک خاطره از این مسابقات دارید که دل‌تان می‌خواهد مردم آن را بشنوند.

بله. این خاطره به مساله «وجدان کاری» برمی‌گردد. روز آخر که قرار بود به سمت مسابقات برویم، اتوبوس‌هایی که ما را جابه‌جا می‌کردند، مسیرشان تغییر کرد. علت این تغییر مسیر هم برگزاری ماراتن بانوان در مسیر بود. من مجبور شدم تاکسی بگیرم و از راننده خواستم مرا به محل برساند. اما به دلیل بسته بودن مسیر، تاکسی نتوانست تا مقصد برود و مجبور شدم پیاده شوم. از آنجا که می‌دانستم مسیر طولانی و زمان محدود است، سه ساعت زودتر از زمان شروع مسابقات حرکت کردم. حتی با این وجود، وقتی به جایی رسیدم که باید از خیابان عبور می‌کردم تا به سالن برسم، پلیس به من اجازه عبور نداد چون دو ماراتن در حال برگزاری بود. در این لحظه تصمیم گرفتم که شاید بتوانم از مسیری دیگر بروم، اما هر بار با موانع مختلفی روبه‌رو شدم. نهایتا بعد از اینکه مسیر ماراتن به پایان رسید، توانستم از خیابان عبور کنم. در آن لحظه وقتی زمان را نگاه کردم، فقط چند دقیقه تا شروع مسابقه باقی مانده بود. سریع شروع به دویدن کردم تا به سالن برسم. وقتی به سالن رسیدم، بدنم کاملا خیس عرق بود. خوشبختانه درست دو دقیقه قبل از شروع مسابقه به محل رسیدم و توانستم گزارش کشتی آذرپیرا را انجام دهم. این تجربه به من نشان داد که چقدر وجدان کاری و تلاش برای به موقع رساندن خودم به محل مسابقه اهمیت دارد. با وجود تمام مشکلات و موانعی که وجود داشت، توانستم به موقع به محل برسم و گزارش را انجام دهم. اما از طرف دیگر، وقتی صدابردار به دلیل بی‌مسئولیتی خود مشکلاتی برای من ایجاد می‌کند، هم کشتی‌گیر و هم من ناراحت می‌شویم. شبکه‌های اجتماعی هم به این مسائل دامن می‌زنند. من همیشه سعی می‌کنم از کشتی‌گیران کشورمان حمایت کنم و اگر نقدی هم داشته باشم، به‌صورت خصوصی به آنها می‌گویم، نه در فضای عمومی. اما متاسفانه برخی افراد از این موقعیت‌ها سوءاستفاده می‌کنند و مسائل را به شکل نادرستی بازتاب می‌دهند.

حسرت‌بارترین کشتی‌ای که در این المپیک دیدید، کدام کشتی بود؟

حساس‌ترین کشتی، مسابقه حسن یزدانی بود. او در حالی که کتفش آسیب دیده بود، به میدان رفت. گزارش این مسابقه برایم بسیار دشوار بود. بغض گلویم را گرفته بود؛ نه می‌توانستم وسط گزارش گریه کنم، نه می‌توانستم به درستی گزارش کنم. حسن یزدانی چهار بار کتفش از جا دررفت، ولی با همان دست آسیب‌دیده، کشتی را ادامه داد. وقتی مسابقه تمام شد، نتوانستم جلوی اشک‌هایم را بگیرم و کلی گریه کردم.

برای هادی عامل که کشتی را به مثابه داستان روایت می‌کند

شهرزاد قصه پهلوانی

هادی عامل در مصاحبه‌ای گفته بود: «درمورد عبارت «شیر مادر و نان پدر حلالت» جا دارد به خاطره‌ای اشاره کنم. در ژاپن اسکوربردی وجود داشت که ورزشکاران وقتی پیروز می‌شدند از طریق این وسیله با خانواده‌شان ارتباط برقرار می‌کردند و در آن لحظات نظاره‌گر اشک مادرها و شادی پدرها بودم. با توجه به اینکه احترام خاصی برای پدران و مادران قائل هستم پیش خودم گفتم جمله‌ای برای قدردانی از این عزیزان بگویم که خوشبختانه به دل مردم نشست.» همین جملات ساده حالا به یک خاطره مهم برای مردم تبدیل شده است. خودش هم همین را دوست دارد. برای همین در همه مسابقات این را می‌گوید تا نام پدر و مادر در یک مسابقه ورزشی تکرار شود.

برای ۶ دقیقه مسابقه کشتی حماسه سرایی می‌کند و از ایران می‌گوید. انگار گفتن از ایران برایش به یک وظیفه در گزارش مسابقات کشتی تبدیل شده، برای همین است که ناخودآگاه وقتی او رقابت کشتی را گزارش می‌کند، مردم با صدایش و از ایران گفتنش همراه می‌شوند. جدای از مدل گزارش کردن او که مورد استقبال قرار می‌گیرد، نباید از اطلاعات فنی او در جریان رقابت‌های کشتی گذشت. شناخت کافی از کشتی‌گیر خودمان دارد و رقیب را هم خوب می‌شناسد و نقاط ضعف و قوتش را می‌داند. کتابخوان است و به قول خودش کتابخوانی را هیچ‌گاه ترک نکرده و برایش مهم است که با اطلاعات به روز گزارش کند و این را هم از علاقه‌ای که به مردم دارد، می‌داند. وقتی قهرمان ملی قرار است در یک رقابت حاضر شود، انگار همه حس یک ملت با او همراه است. در این بین گزارشگر هم بسیار در این حسی که از جریان یک مسابقه ورزشی منتقل می‌شود، تاثیرگذار است. شیوه روایتش قصه‌گویی است. انگار کتابی را باز کرده و از خلال آن در حال گزارش کشتی است. شخصیت‌های قصه او کشتی‌گیرانی هستند که روی تشک آمده‌اند و او برای هرکدام‌شان توصیفی دارد. برای هرکدام از کاراکترهای قصه‌ای که می‌سازد، لقب‌های مناسبی انتخاب می‌کند. در همین مسابقات جهانی سال گذشته کشتی، برای رحمان عموزاد لقب «پلنگ سیاه مازندران» را انتخاب کرد، همان کاری که برای دیگر کشتی‌گیران‌مان در طول مسابقات مختلف انجام داده است. دلسوزی‌ای که برای حسن یزدانی در کشتی فینال المپیک اخیر داشت، برای مخاطب از دل کلماتی که به کار می‌برد مشخص و پیدا بود که چقدر نگران حسن یزدانی و آسیب‌دیدگی اوست. عامل از زمانی که نتوانست کشتی بگیرد، علاقه، سواد و حرفه‌اش را پس از دوران مربیگری و داوری مسابقات کشتی، در راه گزارشگری این ورزش ادامه داد و مویش را در همین راه سفید کرد. راهی که به گفته خودش تماما برای ایران است تا همیشه پرچمش در همه جا در اهتزاز باشد.

نگاهی به کلان برنامه‌های وزارت ارشاد دولت چهاردهم

فعلا کلیات

سیدعباس صالحی، وزیر پیشنهادی ارشاد روز سه‌شنبه ۲۳ مردادماه برای اعلام برنامه‌هایش به کمیسیون فرهنگی رفت. چند ساعت بعد از این دیدار بود که مصاحبه‌ای قابل تامل از علی شیرین‌زاد یکی از اعضای کمیسیون فرهنگی در گفت‌وگو با «حرفی نو» منتشر شد که در آن ادعا کرده بود سیدعباس صالحی علی‌رغم میل باطنی این سمت را پذیرفته است و هیچ برنامه‌ای هم برای وزارت ارشاد ندارد. علی شیرین‌زاد، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در بخشی از این مصاحبه گفته است: «آقای صالحی گفت من اصلاتمایلی برای معرفی شدن به عنوان وزیر پیشنهادی ارشاد نداشتم. هیچ برنامه‌ای هم ندارم. ایشان گفت لحظات پایانی تحویل فهرست وزرا به مجلس، به من مراجعه کردند و علی‌رغم میل باطنی خودم پذیرفتم.» بعد از این اظهارات خبرگزاری دولتی ایرنا، کلان برنامه‌های وزیر پیشنهادی فرهنگ و ارشاد اسلامی را منتشر کرد. در خبری که منتشر شده بود، آمده است کلان برنامه‌های وزارت ارشاد در قالب یک متن ۹ صفحه‌ای، به مجلس ارائه شده است. به نظر می‌رسد انتشار این کلان برنامه‌ها که در طرح مباحث خیلی کلی است، بیشتر برای رفع ابهام در خصوص اظهارنظر عضو کمیسیون فرهنگی باشد و احتمالا در روزهای آینده متنی کامل‌تر با جزئیات بیشتری منتشر خواهد شد. در ادامه به بخش‌هایی از این کلان برنامه اشاره خواهد شد.

■■■

در آغاز این برنامه با طرح مساله‌ای برای تحقق اهداف کلان و چشم‌اندازهای فرهنگی کشور، به‌صورت تلویحی چشم‌انداز و سیاست‌های کلی قانون برنامه هفتم پیشرفت را پذیرفته و در این متن آمده است: «اگرچه پاسداشت و تقویت اصالت و هویت ایرانی- اسلامی عامل اصلی معنابخشی به کنشگری‌ها در مقام تقنین، سیاستگذاری و اجرا در همه عرصه‌های مدیریتی کشور است اما وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کلان دستگاه نظام فرهنگی کشور این مهم را باید به عنوان رکن محوری در برنامه‌ریزی راهبری و حکمرانی امور فرهنگی کشور مدنظر داشته باشد. معیارهای مصرح در چشم‌انداز کشور و محتوای مفاد ناظر به امور فرهنگی در برنامه هفتم پیشرفت کشور نیز موید معنای فوق هستند. اما سوال مهم در این خصوص چگونگی تحول و نوآفرینی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تحقق هدف متعالی مذکور است. پیش از پاسخ به این سوال باید تاکید کرد اکنون مقام پاسخگویی به این سوال مقام برنامه‌های خرد و اقدامات عملیاتی نیست، بلکه قبل از پاسخ خرد به این سوال لازم است در سطح حکمرانی امور فرهنگی به این سوال پاسخ داده شود؛ چراکه از یک سو کنشگری دستگاه‌های فرهنگی در دهه‌های اخیر و از سوی دیگر تحولات مهم در سطح ملی و جهانی سبب شکل‌گیری چند مساله مهم در سطح حکمرانی فرهنگی کشور شده است، اهم این مسائل عبارتند از: «یک) افول کنشگری و میدان‌داری مردم در آفرینش‌ها و فعالیت‌های فرهنگی، دو) تغییر موازنه مصرف فرهنگی در کشور به نفع محصولات فرهنگی غیرایرانی، سه) عدم شکل‌گیری زیست‌بوم اقتصاد فرهنگ به‌واسطه مداخلات تصدی‌گرایانه بازیگران دولتی و شبه‌دولتی و چهار) شکاف عمیق و سریع فناورانه تا سطح کنشگری هوش مصنوعی در تولید فرهنگی و هنری به روز.» اما بخش‌های اصلی این متن، مربوط به چهار کلان برنامه وزیر پیشنهادی فرهنگ و ارشاد اسلامی است. به نظر می‌رسد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت چهاردهم قرار است همت خود را مصروف چند کلان برنامه اولویت‌دار کند تا ضمن پاسخگویی به مسائل فوق بهبود وضعیت در شاخص‌های عملکردی مندرج در برنامه هفتم و نیز شاخص‌های پیامدی ناظر به پاسداشت و تقویت اصالت و هویت ایرانی اسلامی (از جمله مصادیق مندرج در سند چشم‌انداز) را در پی داشته باشد.

۴ برنامه کلان سیدعباس صالحی برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به این شرح هستند:

یک) مردمی‌سازی و عدالت فرهنگی

دو) رونق اقتصاد فرهنگ و توسعه صادرات فرهنگی

سه) کاربست فناوری‌های نوین برای بهبود تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری

چهار) پاسداشت و تقویت اصالت و هویت ایرانی- اسلامی

در توضیح اولین محور این کلان برنامه آمده است: «در واقع رکن زیربنایی محسوب می‌شود و ناظر به تقلیل یا رفع چالش‌های مزمن دهه‌های اخیر سیاستگذاری و مدیریت فرهنگی در «چگونگی نقش‌سپاری به مردم در عرصه فرهنگی کشور» تعریف شده است.» در این بخش از کلان برنامه‌ها وقتی به اهم مضامین مفهومی می‌پردازد، به نکته قابل تامل و جنجالی این روزهای فرهنگ و هنر هم اشاره شده است. موضوع «تسهیل ممیزی» در بخشی از این متن آمده است: «استفاده از مجامع و تشکل‌های مردمی برای تسهیل ممیزی و رشد مصرف فرهنگی تولیدات داخلی.» این برنامه در سال‌های پایانی دولت دوازدهم و در زمان وزارت ارشاد عباس صالحی مطرح شده بود و خبرهایی هم از تکمیل روند واگذاری ممیزی کتاب به ناشران منتشر شد. نهایتا در خبری آمد که فرآیند نظارت به شرکتی در بیرون از وزارت ارشاد منتقل شده است. به عبارتی دولت با این کار تعهدات خودش را کاهش می‌دهد اما باید پرسید که در چنین فرآیندی آیا همچنان باید بودجه‌ای برایش تعریف شود و اینکه با خصوصی‌سازی ممیزی نقش تنظیم‌گری و جریان‌سازی دولت چگونه ایفا خواهد شد. در توضیح دومین کلان برنامه‌های فرهنگی دولت سیزدهم آمده است: «رکن بسیار مهم در برنامه حاضر، ناظر به اقتصاد فرهنگ است. رونق اقتصاد فرهنگ را می‌توان نمایانگر واقعی وضعیت تولید و مصرف محصولات و کالاهای فرهنگی داخلی دانست. بدون تردید رونق اقتصاد فرهنگ را بدون توسعه صادرات فرهنگی نمی‌توان محقق ساخت. در این زمینه به طور ویژه سند مصوب شورای سیاستگذاری بین‌الملل دفتر مقام معظم رهبری، تحت عنوان «سند توسعه صادرات محصولات و خدمات فرهنگی» باید مورد توجه قرار گیرد.

در شرح این کلان برنامه‌ها، بخشی از برنامه‌های عملیاتی مهم عبارتند از: «اجرای سند توسعه صادرات محصولات و خدمات فرهنگی مبتنی بر ابلاغ دفتر مقام معظم رهبری، ایجاد شفافیت در فرآیند مجوزها، تولید و عرضه محصولات فرهنگی، بهبود محیط کسب‌وکار (بهبود مقررات‌گذاری و تنظیم‌گری) برای رشد محصولات فرهنگی با مضامین ایرانی- اسلامی، افزایش سهم کالاها و محصولات فرهنگی ایرانی- اسلامی در بازارهای جهانی، حمایت از شکل‌گیری نهادها و موسسات مردمی در صیانت از حقوق مالکیت فکری، مادی و معنوی آثار فرهنگی هنری و رسانه‌ای خصوصا در فضای مجازی، حمایت از تاسیس و افزایش مراکز نوآوری و ایجاد و توسعه شهرک‌ها و پارک‌های اختصاصی محصولات فرهنگی، هنری و رسانه‌ای.» در راهبردی که برای حوزه اقتصاد فرهنگ در نظر گرفته شده است، احتمالا بخش خصوصی به حوزه فرهنگ ورود خواهد کرد. در توضیح کلان برنامه سوم آمده است: «اساسا بدون رکن فناوری، نمی‌توان از الگوی نوین حکمرانی سخن گفت. در این رویکرد، فناوری تنها ماهیت ابزاری ندارد، بلکه سخن از زیست‌بوم نوین و متفاوت برای راهبری و مدیریت عرصه فرهنگ، هنر و رسانه است. این کلان برنامه را با مضامین مفهومی زیر تا حدودی می‌توان اینچنین تشریح کرد: «الحاق ظرفیت‌ها و فرصت‌های فناوری‌های نوین برای نوسازی و انسجام بخشی ساختارهای عرصه فرهنگ، توسعه سکوهای مبتنی بر نوآوری و فناوری برای بهبود مدیریت تولید و توزیع فرهنگی، استفاده از ظرفیت فناوری‌های نوین به ویژه هوش مصنوعی برای بهبود تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری.»

در توضیح کلان برنامه چهارم، سه کلان برنامه قبلی را مقدمه‌ای برای پاسداشت و تقویت اصالت و هویت ایرانی- اسلامی دانسته و این بخش را این‌گونه تشریح کرده است: «معطوف شدن تولید و مصرف فرهنگی به معیارهای جامعه مطلوب ایرانی- اسلامی مندرج در چشم‌انداز، بهبود وضعیت شاخص‌های ناظر به ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در حوزه مولفه‌های هویتی- بازنمایی و واقعی‌سازی تصویر ایران (اصالت و هویت اسلامی- ایرانی) در عرصه بین‌الملل.» تا زمانی که جزئیات اجرایی و عملیاتی این کلان برنامه‌ها تشریح نشود، نمی‌توان قضاوتی در مورد ایده‌های محوری وزارت ارشاد عباس صالحی در دولت چهاردهم داشت. آنچه منتشر شده به جز در برخی نقاط، کلیاتی است که راهبرد عملیاتی را ترسیم نکرده است.